



رامین برتو

در حالی که بسیاری از تحلیلگران تصور می کردند کانون اصلی بحران های غرب آسیا همچنان ایران خواهد بود، بامداد چهار شنبه حمله‌ای غیر منتظره معادلات منطقه را وارد مر حله‌ای تازه کرد. حملات هماهنگ آمریکا و عربستان سعودی به مواضع متعدد حشدالشعبی در استان‌های مختلف عراق، نه تنها فضای امنیتی این کشور را دستخوش تغییر کرد، بلکه پرسش‌های مهمی درباره اهداف واقعی این عملیات، پیامدهای آن برای آینده منطقه و از تباطؤ احتمالی آن با تحولات سیاسی اخیر، به‌ویژه دیدار دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در واشنگتن، ایجاد کرد.

بر اساس اطلاعات منتشر شده، مقرهای حشدالشعبی در بغداد، استان واسط، نینوا، بصره، کرکوک، کربلا و دیالی هدف حملات هوایی قرار گرفتند. وزارت دفاع عربستان اعلام کرد این عملیات باهماهنگی فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) و در پاسخ به آنچه حملات پهنپادی علیه تأسیسات نفتی عربستان عنوان شد، انجام گرفته است. در مقابل، سازمان حشدالشعبی این حملات را «تروریستی» و نقض آشکار حاکمیت عراق توصیف کرد و از جان باختن دست کم ۲۰ نفر و زخمی شدن ۳۲ تن دیگر خبر داد. همزمان، موج گسترده‌ای از محکومیت‌های داخلی در

واشنگتن به خوبی می‌داند که هر گونه تغییر در مواز نه قدرت عراق، تأثیر مستقیمی بر معادلات سوریه، لبنان و حتی امنیت اسرائیل خواهد داشت و بنابراین، این، تضعیف ظرفیت عملیاتی حشدالشعبی می‌تواند بخشی از راهبرد مهار نفوذ منطقه‌ای ایران تلقی شود که آمریکا حالا در پی اجرای آن بر آمده‌است

حمله مشترک آمریکا و عربستان به عراق، راهبرد مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران ارزیابی شد؛

حشدالشعبی؛ معبر ورود خاورمیانه به مرزهای ابر بحران

عراق شکل گرفت و مقامات این کشور، از جمله محمد شیاع السودانی، این اقدام را نقض قوانین بین‌المللی و حاکمیت ملی عراق دانستند.

چرا آمریکا و عربستان حشدالشعبی را هدف قرار دادند؟ اگرچه ریاض و واشنگتن دلیل رسمی این عملیات را پاسخ به حملات پهنپادی علیه تأسیسات نفتی عربستان اعلام کرده‌اند، اما مجموعه تحولات منطقه‌نشان می‌دهد این حملات صرفاً یک اقدام تلاقی چوبانه محدود نبوده‌است حشدالشعبی طی سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین بازیگران امنیتی عراق تبدیل شده و علاوه بر ایفای نقش در مبارزه با داعش، به یکی از ارکان محور مقاومت در منطقه نیز بدل شده‌است.

از منظر راهبردی، ایالات متحده در شرایطی قرار دارد که تلاش می‌کند دامنه نفوذ گروه‌های همسو با ایران در عراق را کاهش دهد. واشنگتن به خوبی می‌داند که هر گونه تغییر در مواز نه قدرت عراق، تأثیر مستقیمی بر معادلات سوریه، لبنان، و حتی امنیت اسرائیل خواهد داشت. بنابراین، تضعیف ظرفیت عملیاتی حشدالشعبی می‌تواند بخشی از راهبرد مهار نفوذ منطقه‌ای ایران تلقی شود.

در سوی دیگر، عربستان نیز طی ماه‌های اخیر با نگرانی افزایش تهدیدات علیه زیرساخت‌های انرژی خود را دنبال کرده است. ریاض تلاش دارد این پیام را منتقل کند که در برابر هر گونه حمله احتمالی، صرفاً به اقدامات دفاعی اکتفا نخواهد کرد و آمادگی دارد پاسخ نظامی مستقیم نیز بدهد. مشارکت مستقیم عربستان در این عملیات، نشان دهنده تغییر تدریجی دکترین امنیتی این کشور از دفاع متغعل به بازدارندگی فعال است.

در عین حال، انتخاب همزمان چندین استان عراق به‌عنوان اهداف حمله نیز نشان می‌دهد هدف صرفاً تهداد چند پایگاه نظامی نبوده، بلکه ار سال پیامی سیاسی به مجموعه گروه‌های مقاومت و حتی دولت بغداد مدنظر قرار داشته‌است؛ پیامی مبنی بر اینکه آمریکا و متحدانش در صورت احساس

تهدید، آماده گسترش دامنه عملیات در سراسر عراق هستند.

پیامدهای سیاسی و نظامی حملات برای واشنگتن و ریاض

اگرچه این عملیات ممکن استست در کوتاه‌مدت بخشی از توان لجستیکی یا عملیاتی حشدالشعبی را تحت تأثیر قرار داده باشد، اما در سطح راهبردی پیامدهایی به‌مراتب پیچیده‌تر برای آمریکا و عربستان خواهد داشت.

نخستین پیامد، افزایش فشار سیاسی بر دولت عراق است. بغداد اکنون میان دو ضرورت متضاد قرار گرفته‌است: از یک سو حفظ روابط با واشنگتن و کشورهای عربی و از سوی دیگر پاسخ به فشارهای گسترده داخلی برای دفاع از حاکمیت ملی. همین وضعیت می‌تواند اختلافات سیاسی داخلی عراق را تشدید کرده و روند تصمیم‌گیری دولت را دشوارتر کند.

دومین پیامد، احتمال افزایش فعالیت گروه‌های مقاومت علیه منافع آمریکا در عراق، و منطقه‌است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که حملات مستقیم به نیروهای همسو با محور مقاومت معمولاً با



اما ورود مستقیم به یک عملیات نظامی در عراق می‌تواند این روند را با چالش روبرو سازد. افزایش احتمال حملات متقابل علیه تأسیسات انرژی یا زیرساخت‌های حیاتی عربستان، از جمله مخاطراتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

از منظر دیپلماتیک نیز این حملات ممکن است روابط بغداد و ریاض را وارد مرحله‌ای پر تنش کند. درخواست برخی جریان‌های سیاسی عراق برای لغو سفر نخست‌وزیر به عربستان، کاهش روابط دیپلماتیک و حتی اخراج سفیر سعودی، بیانگر آن است که پیامدهای سیاسی این عملیات می‌تواند فراتر از میدان نبرد باشد.

در سطح منطقه‌ای نیز این حملات احتمال شکل‌گیری دور زهای از رقابت‌های امنیتی را افزایش می‌دهد. کشورهای منطقه اکنون با این پرسش روبرو هستند که آیا عراق بار دیگر به میدان اصلی تقابل بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل خواهد شد یا خیر؟

آیا حملات با دیدار ترامپ و نتانیاهو ارتباط داشت؟

همزمانی حملات با پایان دیدار دونالد

ترامپ و بنیامین نتانیاهو، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که توجه تحلیلگران را به خود جلب کرده‌است. هر چند تاکنون هیچ سند رسمی درباره ارتباط مستقیم این دو رویداد منتشر نشده، اما همزمانی آنها باعث شده فرضیه وجود هماهنگی سیاسی میان این تحولات تقویت‌شود.

از نگاه بسیاری از ناظران، اسرائیل همواره حشدالشعبی را یکی از اجزای مهم محور مقاومت دانسته و تضعیف این نیرو را در راستای کاهش فشارهای امنیتی علیه خود ارزیابی کرده است. در چنین شرایطی، هر گونه اقدام نظامی علیه حشدالشعبی می‌تواند با اهداف کلان امنیتی تل آویو نیز همسو باشد.

از سوی دیگر، دولت ترامپ نیز در دوره جدید تلاش کرده است ائتلاف منطقه‌ای همسو با آمریکا را فعلاً تر از گذشته نشان دهد. مشارکت مستقیم عربستان در این عملیات، این پیام را منتقل می‌کند که واشنگتن همچنان قادر است متحدان خود را اقدامات امنیتی منطقه‌ای با خود همراه کند.

البته اثبات اینکه تصمیم حمله مستقیماً در دیدار ترامپ و نتانیاهو اتخاذ شده، نیازمند اسناد و اطلاعاتی است که تاکنون در دسترس نیست. با این حال، همزمانی این دو رویداد را نیز نمی‌توان کاملاً اتفاقی تلقی کرد، زیرا در سیاست خارجی، زمان‌بندی عملیات‌های نظامی معمولاً بخشی از پیام سیاسی آنها محسوب می‌شود. در مجموع، حملات مشترک آمریکا و عربستان به مواضع حشدالشعبی صرفاً نشانه ورود معادلات غرب آسیا به مرحله‌ای جدید از رقابت‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی است. این حملات می‌تواند دامنه تنش‌ها را از عراق به سایر نقاط منطقه گسترش دهد و روند شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید را تسریع کند. اگرچه واشنگتن و ریاض این اقدام را پاسخی دفاعی توصیف می‌کنند، اما واکنش‌های گسترده داخلی عراق، احتمال اقدامات متقابل گروه‌های مقاومت و افزایش فشارهای سیاسی بر دولت بغداد نشان می‌دهد که هزینه‌های این تصمیم ممکن است در ماه‌های آینده بیش از دستاوردهای کوتاه‌مدت آن باشد. از همین رو، آینده تحولات عراق نه تنها بر سرنوشت این کشور، بلکه بر مواز نه قدرت در سراسر غرب آسیا نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای خواهد گذاشت.



جهان نما

رویترز گزارش داد: نقش پیمانکاران نظامی آمریکا در انتقال سلاح برای شبه نظامیان سودان

خبرگزاری رویترز با استناد به پیش نویس گزارش کارشناسان سازمان ملل که قرار است در ماه سپتامبر منتشر شود، گزارش داد هواپیماهای بوئینگ ۷۳۷، که این رسانه انگلیسی آن را به شبکه تجاری یک پیمانکار نظامی آمریکایی مرتبط می‌داند، جنگجویان مزدور، سلاح و پهپاد را برای نیروهای واکنش سریع سودان منتقل کرده‌است. به نوشته این رسانه، یافته‌های این کارشناسان جزئیات جدید مهمی را درباره نقش این هواپیماها در پشتیبانی از گروه «نیروهای واکنش سریع» سودان که از سوی بازرسان سازمان ملل متهم به ارتکاب نسل‌کشی در منطقه دارفور سودان شده، ارائه می‌کنند.

رویترز گزارش داد که در متن پیش‌نویس گزارش بازرسان سازمان ملل نوشته شده است: «این هیات کارشناسی اطلاعات معتبری از سوی چهار منبع دریافت کرد که نشان می‌دادند این هواپیماها، مزدوران و جنگجویان و همینطور تجهیزات نظامی شامل پهپاد و تسلیحات را برای نیروهای واکنش سریع منتقل کرده‌اند.» بنابر این گزارش، دو شاهد عینی در شهر «نیاله» مرکز اصلی لجستیکی نیروهای واکنش سریع در دارفور - و اطلاعات واصله از دو کشور عضو سازمان ملل، منابع اصلی این یافته‌ها بوده‌اند.

تحقیقات میدانی رویترز که ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیر ۱۴۰۵) منتشر شد، سه فروند بوئینگ فرسوده را ردیابی کرده بود که توسط شرکت‌های تحت کنترل «استیون شاولیس»، کهنه‌سرباز نیروهای ویژه ارتش آمریکا و پیمانکار سابق به نظامی دولتی در این کشور - مدیریت می‌شوند. این هواپیماها از فرودگاهی در چاد به مراکز تدارکاتی نیروهای پشتیبانی سریع در سودان، لیبی و سومالی در رفت‌وآمد بودند.



در آن گزارش همچنین فاش شده بود که یکی از این هواپیماها - از نوع بوئینگ ۷۳۷ - در مه ۲۰۲۵ و در حالی متهم شد که جنگجویان نیروهای واکنش سریع را حمل می‌کرد، با این حال، بخش زیادی از اینها محموله‌های این هواپیماها همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده بود. رویترز در گزارش خود تأکید کرده بود که هیچ مدرکی دال بر تحریم با اتهام‌زنی رسمی علیه شاولیس یا شرکت‌هایش از سوی مقام‌های ذی‌ربط پیدا نکرده‌است.

گزارش جدید مذکور توسط هیات کارشناسی امور سودان که در سال ۲۰۰۴ از سوی شورای امنیت برای نظارت بر تحریم تسلیحاتی دارفور ماموریت یافت تهیه شده و ابعداد از اتهامات در زمینه حمایت‌ها از نیروهای واکنش سریع را رفع می‌کند.

در این پیش‌نویس آمده است که سه فروند بوئینگ ۷۳۷ از نوامبر ۲۰۲۴ در کشور چاد ظاهر شدند و از بخش نظامی فرودگاه انجانما - پایتخت چاد - عملیات خود را آغاز کردند.

نکته مهم دیگر در گزارش کارشناسان سازمان ملل آن است که از زمان ورود این سه بوئینگ ۷۳۷ به انجانما، هیچ گونه سیگنال حرکت پروازی برای آن‌ها در سامانه‌های ردیابی ثبت نشده است. هیات کارشناس سازمان ملل می‌گوید مظنون است که این هواپیماها «عاملان گام‌هایی برای پنهان ماندن از ردیاب‌ها حین پرواز» برمی‌دارند، هر چند جزئیات بیشتری در این زمینه ارائه نکرده‌است. رویترز نیز پیش‌تر با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های تلفن همراه و ویدئوهای موجود در منابع باز، حرکت ایسن بوئینگ‌ها را از انجانما به مراکز لجستیکی نیروهای واکنش سریع در لیبی و سودان ردیابی کرده بود، اما هیچ سابقه‌ای از این پروازها در ردیاب‌های مستقلی که سیگنال‌های معمول هواپیماها را پایش می‌کنند، نیافته بود.

بر اساس این پیش‌نویس، میان ژانویه و ژوئیه ۲۰۲۶ (دی ۱۴۰۴ تا تیر ۱۴۰۵) چند فروند بوئینگ ۷۳۷ و همچنین چند هواپیمای باری ایلیوشین-۷۶ - در طول شب در نیاله فرود آمده‌اند. گزارش تصریح می‌کند: «نیروهای واکنش سریع از کریدور هوایی انجانما-نیاله برای انتقال جنگجو، مزدور خارجی و تجهیزات نظامی از جمله پهپادها و تسلیحات به دارفور استفاده کرده‌است.»

اسنادی که رویترز بررسی کرده نشان داده‌اند شاولیس و شرکت تجاری‌اش «کریگ مونرو» مالکان مشترک شرکت کانترکتور ایرویز (Contractor Airways) در آفریقای جنوبی هستند؛ شرکتی که دو فروند از این بوئینگ‌های ۷۳۷ را از شرکت کالیتا خریداری کرده‌است. مونرو و پیش‌تر در پاسخ به سؤالات رویترز گفته بود که کانترکتور ایرویز «هرگز هیچ ارتباطی با نیروهای واکنش سریع نداشته است.» وی یافته‌های رویترز مبنی بر فرود این هواپیماها در نیاله و همچنین در الکفره لیبی را تکذیب کرده و ادعا کرده بود که «تا آنجا که ما می‌دانیم، نادرست هستند.»

در سوی دیگر، سازمان هواپیمایی کشوری چاد اعلام کرده که هیچ‌یک از این بوئینگ‌ها مجوزی برای عملیات از خاک چاد نداشته‌اند و تأکید کرده که این نهاد متولی مدیریت هوانوردی نظامی نیست و خدماتی برای ردیابی پروازها ارائه نمی‌کند. هم‌زمان، وزیر خارجه چاد، عبدالله صابر فضول، پرسش‌ها در باره این هواپیماها را مشمول «اسرار دفاعی» دانسته و گفته که تنها نقش کشورش در بحران سودان «تلاش‌های دیپلماتیک برای بازگرداندن صلح» بوده‌است. شاولیس نیز به سؤالات رویترز درباره گزارش سازمان ملل پاسخی نداده و پیش‌تر نیز از اظهارنظر درباره شرکت‌هایش با هواپیماهای بوئینگ خودداری کرده بود. نیروهای پشتیبانی سریع نیز به درخواست‌های رویترز برای اظهار نظر پاسخ نداده‌اند.

یافته‌های هیئت کارشناسی سازمان ملل بخشی از یک تحقیق گسترده‌تر درباره نقض تحریم تسلیحاتی ۲۲ ساله دارفور است. فراتر از ماجرای بوئینگ‌های ۷۳۷، بازرسان سازمان ملل ابعاد حمایت‌های ارائه‌شده به نیروهای واکنش سریع توسط مزدوران کلمبیایی را نیز با جزئیات تشریح کرده‌اند.

خبر

موافقت آمریکا با تولید سامانه‌های موشکی پاتریوت در اوکراین

البته، آنچه‌نیاز داریم را به اشتراک گذاشتیم. امروز آن را با رئیس‌جمهور در میان گذاشتیم.» در همین راستا، خبرگزاری رویترز اخیراً گزارش داد که داوید آلوئیان، معاون دبیر شورای امنیت ودفاع ملی اوکراین گفته کی‌یف در پی کمبود موشک‌های رهگیر سامانه آمریکایی پاتریوت به دنبال عملیاتی شدن نمونه اولیه سامانه ضد بالستیک فری‌اتانیم‌ه‌اول ۲۰۲۷ است که با همکاری پیشگامان صنایع جنگ‌افزار و توسعه‌ای اروپا ساخته خواهد شد و طرح توسعه آن کلید خورده‌است. سامانه دفاع هوایی پاتریوت تنها سلاح موجود در زرادخانه اوکراین است که قادر به سرنگونی مطمئن موشک‌های بالستیک روسیه است که با چندین برابر سرعت صوت حرکت می‌کنند. تأمین پاتریوت‌ها تحت تأثیر شرایط متغیر سیاسی، موجودی کم آن و چرخه طولانی تولید قرار گرفته‌است. جنگ علیه ایران موجب کاهش چشمگیر ذخایر موشک‌های رهگیر پاتریوت شده‌است؛ زلنسکی پیشتر در گفت‌وگو باالسکای نیوز مقابل‌ه‌اموشک‌های بالستیک روسیه را «چالش بزرگ» توصیف کرد.



ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین که در کاخ سفید با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کرد، گفت که دونالد ترامپ موافقت کرده‌است که مجوز تولید سامانه‌های موشکی پاتریوت را به اوکراین اعطا کند. زلنسکی در گفت‌وگویی با شبکه فاکس نیوز گفت که دو طرف گفت‌وگوهایشان را بر اساس مباحثاتی که در نشست اخیر ناتو در آنکارا مطرح شده بود، پیش‌برند. رئیس‌جمهور اوکراین گفت: «ما این کار را در آنکارا آغاز کردیم تا به اوکراین مجوز تولید پاتریوت‌ها داده شود. این مهم‌است، چون به تعداد بیشتر و سریع‌تر نیاز داریم.» او افزود: «مروز، جلسه بسیار و موشک‌های ضد بالیستیک است.

روسیه بنیانگذار تلگرام را تحت تعقیب قرار داد

به دلیل استفاده گسترده کاربران از این پیام‌رسان، دو سال بعد ناچار به عقب‌نشینی شد. نکته قابل توجه آن است که اعلام این اتهام تنها یک روز پس از اظهارات دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، منتشر شد. پسکوف گفته بود مقام‌های روسیه با مدیران تلگرام در تماس هستند تا درباره احتمال کاهش محدودیت‌های این پیام‌رسان گفت‌وگو کنند. با وجود محدودیت‌های اعمال‌شده، تلگرام همچنان از طریق شبکه‌های خصوصی مجازی (VPN) به‌طور گسترده در روسیه استفاده می‌شود. این پیام‌رسان همچنین در میان نیروهای نظامی هر دو طرف جنگ روسیه و اوکراین کاربرد گسترده‌ای دارد. تلگرام اعلام کرده‌است که بیش از یک میلیارد کاربر فعال در سراسر جهان دارد. پاول دورف نیز در آوریل گذشته گفته بود که با وجود محدودیت‌ها، روزانه حدود ۶۵ میلیون نفر در روسیه از تلگرام استفاده می‌کنند.



سرویس امنیتی دولت روسیه (FSB) (چهارشنبه) اعلام کرد که پاول دورف، ۴۱ ساله و متولد روسیه، به دلیل «عدم حذف اطلاعاتی که به‌طور فعال توسط سرویس‌های ویژه اوکراین، سازمان‌های تروریستی و گروه‌های افراطی برای برنامه‌ریزی و هماهنگی عملیات خرابکارانه،» اقدامات تروریستی، کشتار جمعی و کلاهبرداری‌های سایبری در روسیه کرده بود تلگرام را مسدود کند. اما

آمریکا ۵ مرکز غنی‌سازی هسته‌ای می‌سازد!

رایت با اشاره به این طرح مدعی شد این مراکز می‌توانند موتور محرک «رسانس هسته‌ای آمریکا» باشند و هزاران فرصت شغلی ایجاد کنند. وی همچنین این پروژه را نتیجه سیاست‌های دونالد ترامپ برای احیای چرخه سوخت هسته‌ای داخلی آمریکا و تقویت صنعت هسته‌ای این کشور دانست. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که واشنگتن سال‌ها با ادعای جلوگیری از گسترش فناوری هسته‌ای محدودیت‌ها و فشارهای گسترده‌ای را علیه کشورهای مستقل، به‌ویژه ایران، اعمال کرده‌است.

اکنون در استانداردی دو گانه در قبال فناوری هسته‌ای، واشنگتن خود با «خوشحالم که اعلام کنم وزارت انرژی آمریکا بعد از بررسی ۲۸ درخواستی که از سوی ۲۶ ایالت تسلیم شد، پنج نامزد اولیه را به منظور بررسی احداث پردیس‌های نوآوری در چرخه‌های عمر مواد هسته‌ای انتخاب کرده‌است.» کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، تفاهم‌نامه‌هایی را با مقامات این پنج ایالت امضا کرده تا روند بررسی برای احداث این مراکز ادامه یابد. این پروژه بخشی از تلاش‌های واشنگتن برای احیای صنعت هسته‌ای خود و کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین خارجی ارزیابی می‌شود. کریس



وبگاه هیل گزارش داد که وزارت انرژی ایالات متحده در بیانیه‌ای مکتوب اعلام داشت: شامل یوتا، تنسی، و کلاهما، لویزیانا و آیداهو یادداشت‌های تفاهمی را بر سر بررسی امکان انبارسازی زباله‌های هسته‌ای و استقرار راکتورهای پیشرفته و مراکز داده امضا کرده‌است. به گزارش این رسانه آمریکایی، دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده اوایل سال جاری میلادی از قصد خود برای اجرای سریع طرحی به‌منظور ساخت تأسیسات جدید انبارسازی زباله‌های هسته‌ای خبر داده و در این راستا گفته بود که امید دارد «در چارچوب زمانی سال ۲۰۲۷ اولین مورد این تأسیسات بر خط

سلب تابعیت ۶ تن از جمله یک روحانی شیعه در کویت

کویت «بدرتین دوره تاریخ خود» را سپری می‌کند. حسین المعتوق نیز از چهره‌های شناخته‌شده شیعیان کویت و دبیر کل پیشین «ائتلاف اسلامی ملی» است و پیش‌تر نیز در پرونده‌هایی مرتبط با امنیت کشور با احکام قضایی الحسینان، از فعالان مدنی، در فهرست افراد مشمول این فرمان دیده می‌شود. وی در ماه‌های گذشته انتقادهای تند از «فهد الیوسف» وزیر کشور کویت مطرح کرده بود و شماری از اعضای خانواده او نیز در بازداشت به‌سر می‌برند. عبدالله الصالح نیز که نامش در این فهرست آمده، از فعالان شناخته‌شده مخالف دولت کویت در خارج از این کشور است و پیش از این، مشمول غفو شده بود. این در حالیتی که چنین اقدامی پیش از این از سوی بحرین علیه برخی شهروندان شیعه انجام شده بود که ریشه آن‌را باید جنگ اخیر دانست.



عبدالوهاب اسماعیل علی الفودی، «لولوه ناصر عبدالله عبدالوهاب الحسینان»، «محمد بدر عبدالله صالح محمد المطر»، «عبدالله محمد عبدالله عبدالوهاب الصالح» و «منصور احمد حمود المحارب الحمدود» سلب شده‌است. در میان این افراد، «محمد المطر» که به عنوان تحلیلگر سیاسی شناخته می‌شود، در واکنش به سلب تابعیت خود اعلام کرد که

مشعل الاحمد الجابر الصباح» امیر کویت با صدور فرمان امیری، تابعیت ۶ نفر از شهروندان این کشور، از جمله «حسین المعتوق» از روحانیان برجسته شیعه را سلب کرد. بر اساس فرمان امیری شماره (۱۲۱) سال ۲۰۲۶ که در روزنامه رسمی «الکویت‌الیوم» منتشر شده است، تابعیت «حسین عبدالله معتوق علی‌المعتوق»، «عبدالعزیز خالد